



لباس زنان ایران

از قده سرمه هجره را مرود

اداره موزه و فرهنگ
اداره کل هنرهاي زپاي كشور



می بینیم که خیرخیتن نیز ایشان را به زندگانی دارد

دکان الحضر

لباس زنان ایران

زندگانی سردهم هجرت امروز

از: یحیی ذکاء

تهران آبانماه ۱۳۳۶

ذکر محمد کنده از میان محمد و پیغمبر مسیح پس از مرگ فرم
در دنیا مسخر خواه شد کی را برگردانیم، که ممید از من فرم از زلبد بدر کنایه
که درین رازنیه که ام تو شاهزاده از منصب خواهیم گردید.
شیخ گویید: ایک راهه یاک کتب نایخ، دیگر کن، دیگله راهه نهاد
چه میگذرد و ابط عاصه عبده بمنیست شد و ماریخ هم فیض
چلب و قصت دهیز خسته کنده است. فرم از زدن بین
شها یک « دور ماله » برمی گزینیم تا همین پیغمبر مسیح پس از
مرگ فرم از زدن دو پسر داشتند یوسف و جعفر و بیچشت
دو از آن داده از از ده لار ده بضم عین هوسیز بزیمه ایشان پیر زنده
فهد و عاد و دارستان زین از دو زنمه زن ملا از
چیزی راه که بشیر از نیه را کاه حلایه است.
آن دل فرانسر

فکرایجادلباس ناشی ازاحتیاج انسان بدفاع ازعوارض طبیعی،
بغخصوص در مقابل سرما بوده است . لیکن لباس نیز، مثل هر گونه
وسیله زندگی که پا از دایره رفع احتیاج ابتدائی بیرون میگذارد
حالت تقنی بخود میگیرد ، در طول زمان از صورت ابتدائی خود
بیرون آمده ، اقوام مختلف روی زمین هر یک بنابمقتضیات اقلیمی
و عادات رسوم و درجه فرهنگ و تمدن خود، با ایجاد لباسهای گوناگون
پرداخته و دردوخت و شکل و تزئین آن ابتکارات گوناگون بوجود
آورده اند، بطوریکه کم کم لباس نیز مثل تمام وسائل زندگی جلوه گاه
ذوق و هنر بشری گردیده و مظهر درجه لطافت ذوق و تکامل سلیقه اقوام
و مدل شده است .

مطالعه و نمایش تطور لباسهای یک ملت ، امر وژه نه تنها
از لحاظ تعقیب سیر تاریخی و درک زیبائی و تنوع آنها قابل تعمق

است بلکه از نظر فهم روانشناسی عادات و رسوم مخه و من آن مدت نیز شایان توجه میباشد . بنابر این از مطالعه شکل و انواع لباسها در در زمان ها و مکان های مختلف میتوان بروجیات یک قوم نیز بود .

نمایش البسه تاریخی علاوه بر اینها از نظر استفاده و راهنمایی نقاشان ، هنرپیشگان ، کارگردانان فیلم ، خیاطان و طراحان وغیره ، نیز بسیار سودمند است و مطالعه آنها برای برخی از این گروه جزو ابزار کار آنها بشمار میرود . روی همین اصل در بسیاری از کشورها موزه ها و نمایشگاه های متعدد برای معرفی و نمایش لباس های ملی و همچنین لباس اقوام مختلف دیگر دایر کرده و از لحاظ آموخته و فرهنگی نتایج بسیار مفیدی از آن بدست می آورند .

«اداره موزه ها و فرهنگ عامه » در پیروی از همین فکر برای اولین دفعه در ایران ، با مشارکت «شورای زنان » برای نمودن سیر تاریخی و تطورات البسه زنان ایران در دو قرن اخیر و همچنین برای معرفی شکل و وضع لباس فعلی زنان قبائل و عشایر مختلف . اقدام به ترتیب و تشکیل «نمایشگاه البسه زنان ایران » نموده است ،

حدود تاریخی لباس های مذبور از قرن سیزدهم هجری قمری تجاوز نمیکند و چون لباس زنان معمولاً بیشتر از لباس مردان در معرض تغییر و تحول میباشد از اینرو هیئت مدیره نمایشگاه برای بار اول همت به معرفی لباس های زنانه گماشته و امیدوار است در فرصت مناسب دیگر ، نمایشگاهی نیز از لباس های مردانه ایران تشکیل دهد .

در باره تقسیمات تاریخی لباس های زنانه باید یاد آور شویم که لباس زنان شهرنشین ایران در دو قرن اخیر از نظر تغییرات و خصوصیاتی که پیدا کرده به پنج دوره تقریباً متمایز تقسیم من شود بدینگونه :

- ۱- از عهد زندیه تا سلطنت فتحعلی شاه قاجار .
- ۲- از سلطنت فتحعلی شاه تا اولین مسافرت ناصرالدین شاه بارویا .
- ۳- از بازگشت ناصرالدین شاه از اروپا تا مشروطیت .
- ۴- از مشروطیت تا ۱۷ دی ۱۳۱۴ شمسی .

۵- از ۱۷ دی ۱۳۹۴ تا امروز

چون در اساس لباس زنان عناصر و ایلات و نقاط دور دست
تفصیرات مهم و محسوسی روی نمدهد از این‌رو این تقسیمات بیشتر در
باره لباس زنان شهر نشین صدق می‌کنند ، و راجم بجزئیات و انواع
لباس زنان ده نشین و ایلات و عشاير بحث جداگانه‌ای لازمت .
و اینک پیش از برداختن بچگونگی لباسهای زنانه این دوره ها نظری
بوضع سیاسی و اجتماعی ایران در اوایل این دو قرن میاندازیم تامکان و
وزمانیکه این لباسها در آن بوجود آمده و تطور یافته است بهتر در
نظر مجسم گردد.

وضع سیاست و اجتماعی ایران در دوره قرن اخیر، بخصوص در اوایل قرن دوازدهم

وضع سیاسی ایران در دو سده قرن اخیر، بخصوص در اوایل قرن دوازدهم واوایل قرن سیزدهم هجری بسیار در هم و نا آرام و بعملت جنگهای داخلی، کشور در حال تعزیه بود. لشکر کشیهای پی در پی و قتل و غارت های شهرها، وضع زندگانی مردم این سرزمین را بسیار پریشان ساخته بود.

آخرین پادشاهان صفوی در این دوره یکی پس از دیگری حکومت را با ضعف و سستی ادامه داده از میان رفتند، افغانها باصفهان حمله کرده مدنتی زمام امور ایران را بدست گرفتند تا سرانجام نادر شاه

افشار، سرگشان داخلی و دشمنان خارجی را سرگوب نموده اندک آرامشی در کشور پیدید آورده ولی متأسفانه پس از مرگ او اوضاع بحال سابق برگشت، کشاکش‌های داخلی دوباره تجدید شد. هنگامی که سرگیم خان زند حکومت را بدست گرفت چون مردی رئوف و رعیت پرورد بود در او اختر سلطنتش مردم اندک آرامشی بخود دیدند ولی به بعض فوت او، میان اختلافات اخلاقی بروز کرد و سپس نیز کشاکش‌های طواویف قاجار و زندیه مزید بر علت شده مجدداً آرامش را برهم زد، تا هنگامی که آغامحمدخان قاجار به سلطنت رسید و یکایران مخالفان را از میان برداشت و در سراسر ایران صلح و صفا برقرار نموده در اوایل قرن سیزدهم با قدرت بین‌ظیری بر تخت سلطنت ایران جلوس کرد.

باتوجه به بین کشمکش‌ها و جنگ‌های داخلی و اغتشاشات پیداست که بیشتر وقت مردان در جنگ‌ها و بردوی ذین اسماها میگذشت و فرصت کافی برای پرداختن به تفتیقات زندگی وجود نداشت و طبیعته تغییرات لباس زنان نیز که فرع بر راحت و آسایش در زندگانی است چندان محسوس نبود و حتی طبقات عالی نیز فرصت پرداختن به چنین امور را بفراز نداشتند و توجه زیادی بجهة زیبایی لباس و سایر ظاهرات زندگی نمیگردند و با نظر بوضع لباس در عهده صفوی، میتوان گفت که در این دوره ذوق عمومی بسیار تنزل کرده، قابل مقایسه با دوره ما قبل خود نبود.

دوره اول

از محمد رهیه مسلط فتح

در این دوره لباس زنان تاحدی ساده بود و بالباس مردان چندان اختلافی نداشت. عموماً زنان پیراهن تنگی در بر میکردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود و برخلاف پیراهن زیرین مردان که به آن از یقه‌لوی گردن بازو بسته میشد چان پیراهن زنان از جلو بازمیشد و در زیر کلوبو سبله رو باش باد گمهای محکم میگردید.

در موقع احتیاج اغلب ار خالق آستین منبوسه یا کلیجه آستین کوتاه که بلندی دامن آن بر حسب مقننهای تغییر میگرداد روى پیراهن می پوشیدند.



بانوی از عهد زندیه بالباس آفرمان

ذنان دراین زمان مانند مردان شلوار گشاد و بلندی به پا
می کردند و دوی آن دامن گشاد و نسبت بلندی می یوشیدند که طول
آن تاوسط ساق پامی رسید و باین طریق همیشه مقداری از شلوار و لبه
آن پیدا بود و گلهی نیز دامن نیوشیده دامن پیراهن را بلند تر
می گرفتند که تا قریبیک رانو یا کمی بالاتر از آن می رسید و این
طرز مخصوص زنان و دختران جوان و رقصنه ها بود .
شلوار زنان گشاد و از پارچه های راه راه بود که

بطور مورب دوخته می شد و به
آن را از پارچه ای بر نگه دیگر
انتخاب می کردند .

زنان این دوره توری یا پارچه
تازک وزیباتر را بطور آزاد بر روی
سر انداخته آنرا بوسیله رشته های
مر وارید یا نیم تاج و جقه و پیشانی
بندوپرهای زیبا و غیره مانند زنان
هندي بر روی سر بشمعی کردند
و گوشهای بلند آنرا که از یشت سر
آویخته بود رها می ساختند و
گیسوهای بلند خود را نیز بافته
▪ بطور آزاد در پشت سر یا روی
شانه ها می ریختند . زلف و طرمه هارا
بر روی پیشانی باشکل گوناگون
وقشنگ چشیده ، مرتب می کردند و
گاهی نیز پشم کلاهات بطور چه



نمادهای از لباس زنان دوره زندیه

زیر توری بر سر می گذاشتند و حاشیه آنرا با نگین ها و آویزهای ظریف
زینت می دادند .

بستن بازو بنهای جواهر نشان نیز در این زمان معمول بود و
آنرا از روی پیراهن یا ارخالق در قسمت فوقانی بازو می بستند که
رشته های ابریشمی از زیر آنها آویزان و به رشته سکه ای از ذر آویخته
می شد . این طرز لباس پوشیدن زبانه درخانه بود و هنگامیکه می خواستند
بکوچه بازار روند ، چادر مسیاه یا بنفش یانی لی تن بسرمی کردند بروی خود را .
معکم باروبند می گرفتند .

کفش زنان این دوره نعلین یا ساغری نوک بر گشته ای بود که فقط
اند کی لوزه را نگشان پادردا خل آن قرار می گرفت و بقیه در پیرون
و آزاد بود و رویهم رفته کفشی ناراحت و برای تنعدره رفتن غیر
متنااسب بود .

دوره دوم

رِسْلَطْتُ فَحْيَّاْ مَرْلِينْ سَفْرَنْ صَرْلَانْ هَمْبُ بَارْبُوْپ

(۱۲۱۲-۱۲۹۰ ه.ق.)

در عهد سلطنت فتحعلی شاه که از پیش بر اثر مساعی آقامحمدخان
مرکزیت و آرامشی در سراسر ایران پدید آمده بود یک رنسانس
یا مازگشت بطریز زندگانی ایران قدیم در اغلب شونات پیش آمد ،
چنانکه شاه بتقلید شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی نقش های بر جسته
بر روی سنک ها کنده ، تاج کیانی بر سر گذاشت و ایوان نفت مرمر را
بتقلید طاق کسرای تیسفون بوجود آورد و از طرف دیگر در نقاشی و
معماری و ادبیات نیز بدون داشتن ذوق سلیم اندک پیشرفتی حاصل شد ولی
همراین تجدید حیات کوتاه بود و مملکت دوباره بوضم و فساد او لیه خود باز گشت

دراين رنسانس در لباس مردان وزنان نيز تغييراتي بوجود آمد و به
تقليد لباسهای باستانی، جامه‌های بلند و باوقار دو بازه مرسوم گردید.

فتحعلی شاه که مردی زن دوست و عیاش بود حرم‌سرای مفصلی
برای خود ترتیب داده قسمت اعظم عایدات کشور را در مخارج اندرون



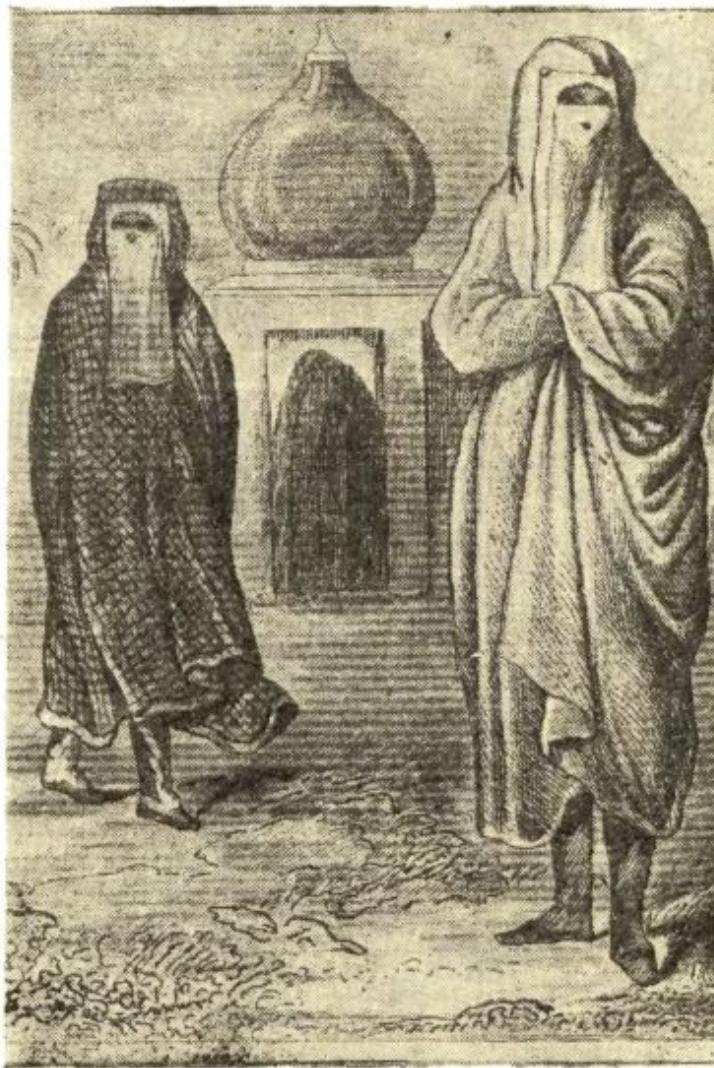
نمونه لباس‌اندرونی زنان در عهد فتحعلی شاه

که در آنجا زنان جز خود آرائی و دلببری وظیفه‌ای نداشتند و تمام
وقت خود را بلهو و لعب و عیش و عشرت می‌گذرانیدند صرف
می‌کرد . پيدا است رجال کشور و اعيان و اشراف نيز از شاه مملکت



بانوی از عهد فتحعلی شاه با جقه، بین، کلاهک، بازو بند و سالامه

پیروی کرده همین روش رادر اندرونی های خود معمول می داشتند
بطوریکه در این عهد بازار تفتناه و عیش و طرب رواج کامل یافته راه
افراط و تفریط دریش گرفت و چون در ایجاد وادامه این وضع زنان



نمونه لباس پیرونی زنان در عهد فتحعلی شاه
نقش بزرگی بر عهد مداستنداز ایران و تحولاتی نیز در طرز زندگی زنان و
لباسهایشان پیش آمد.

طرز لباس زنان ای دوره دنباله همان لباسهای مهد زندیه بود با این
فرق که دامن یا یا چین زنان بسیار بلندتر از زمان پیش گردیده سود
طوریکه لبه دامن بر دوی زمین کشیده می شد. و چون بلندی دامن مانع



نمونه‌ای از لباس رقصه‌های زمان فتحعلی‌شاه

از ظاهر شدن شلوار می‌گردید از این‌رو در این زمان شلوار اهمیت خود را از دست داده‌هایش تنگ‌تر و زینتش کمتر شده بود .
پس اساس لباس زنان این دوره را مانند سابق پیراهن^{۱۰} و دامن
بندو شلوار تشکیل می‌داد.



پیراهن از ابریشم یا حریر
بود که از وسط بینه‌تا روی
ناف چاک داشت و آنرا
بوسیله دگمه یا سکه که
بیقه پیراهن دوخته شده بود
می‌بستند . دامن معمولاً بلند و
دایر مای (کلوش) و فنر دار
بود و حاشیه پائین آنرا
با یاراق و گلابتون زینت
می‌دادند . قسمت بالای دامن را
عموماً با کمری از پوست که
دو آن را با پارچه ابریشم
گلدوزی شده می‌بوشانیدند
نگهید اشتند . قلاب یا گل
کمر از طلا و نقره یا جواهر

نحوه لباس خانه‌ای عهد محتد شاه
نشان بود و چند آویز یارچه‌ای لوزی شکل که دوضلع بالا^{۱۱} آن
بلندتر از دوضلع پائینی بود و آنرا «صالامه» می‌نامیدند در جلو دامن
از گل کمر آویخته می‌شد .

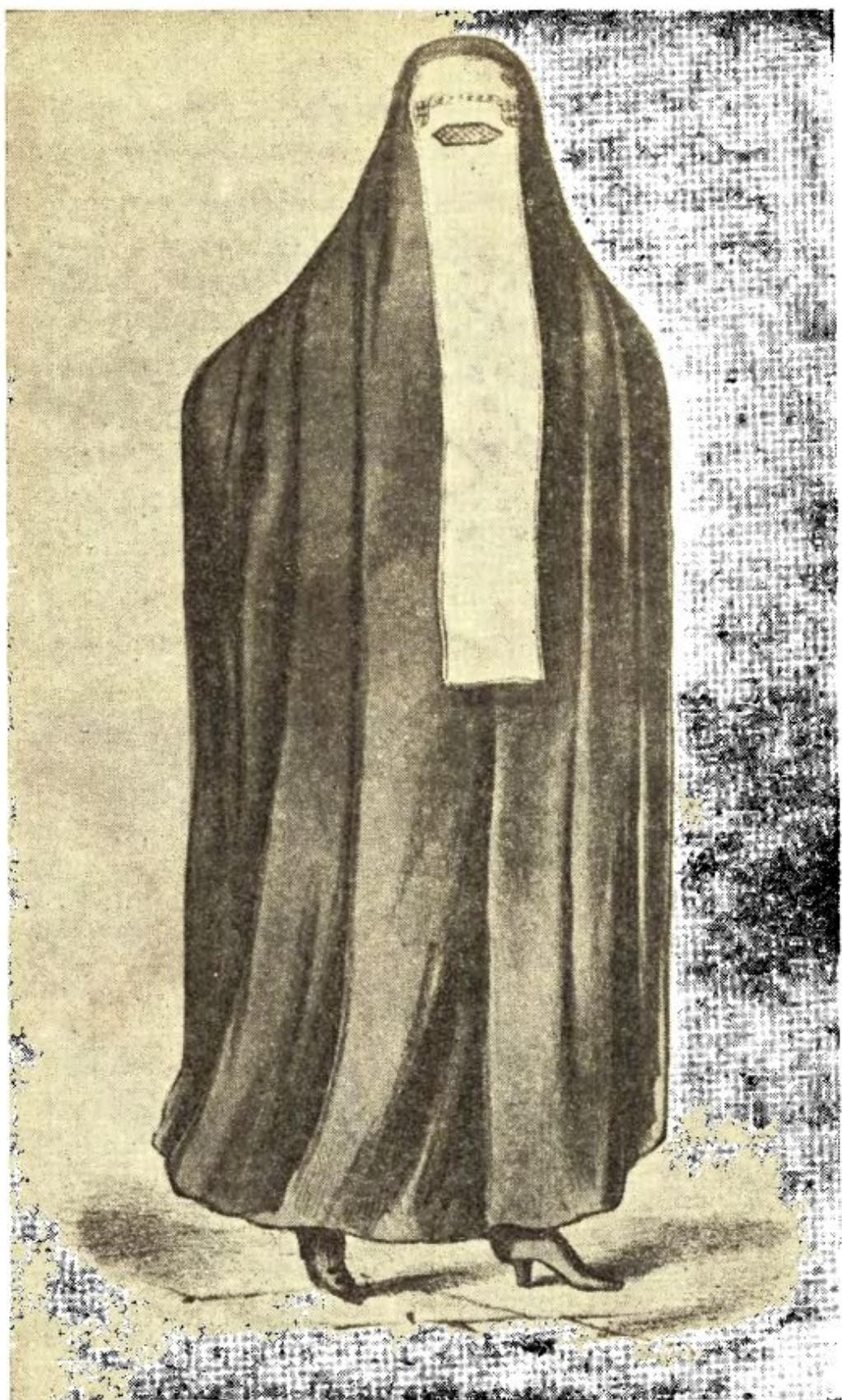
هزوسر کردن چادر نمازو چارقد معمول نشده بود بلکه مانند دوره قبل تور^{۱۲} و کلاهک زینت سر بود . موها و گیس‌ها را بطور مواج
بر روی شانه یا پشت سر میریختند و در انتهای گیسه‌جاوه‌ریا مروارید
نصب می‌کردند . طرح‌های گیسورا که بر روی گونه‌ها و گوشها می‌افتاد
حلقه که بصورت دم‌جیم در می‌آوردند هر قچین یا نیماتی بس سر
می‌گذاشتند که دارای اشکال گوناگون و قیمت آن بسته بشیونات و

نروت صاحب آن بود
 برخی نیز شال
 کشميری و پارچه های
 نازان قیمتی را باشکال
 گونا گون بسر خود
 میستند و دن باله آنرا
 مانند توری از بست
 سر رها می ساختند .
 در بیرون از خانه
 سرایای خود را در
 چادر بزرگ مشکر
 یا بنفس حاشیه دار
 می پوشانیدند و جاقچهور
 در پامبکر دندور و بندۀ
 سببندی که در
 مقابل صورت دارای
 دو سوراخ بشکل چشم
 یا توری مسدس بود ،
 بسر روی صورت
 می کشیدند که طول

دختری از عهد محدث شاه



آن تازانوهای پامیر سید و قلابه جواهری آن در بست سر می درخشیده
 پیره زنان و کربلاعی خانمهای نقاب موشی بر روی صورت میگرفتند .
 کفش نیز مانند دوره بیش به شکل راحتی و نعلین و ساغری نوک
 بر گشته بود که بر نگهای مختلف دوخته میشد .
 این طرز لباس یوشیدن کماییش تا اواسط سلطنت ناصر الدین شاه
 با تغییرات جزئی ادامه داشت تا هنگامی که سفر ناصر الدین شاه با رویا
 بیش آمد و از آن پس در تاریخ لباس زنان ایران دوره جدیدی که
 توأم با تغییرات ناگهانی بود باز شد .



بانوی با چادر و روپنده از زمان محمدشاه

دوره سوم

لر مهر ها صراحتی همراه با هم رفتی

(۱۲۹۰ - ۱۳۲۴ م.ق.)

ناصرالدین شاه در سفر اروپا هنگامی که در مسکودرتماشانه «کاولین» رقص و لباس بالت و بالرین‌ها را که شلوار کش باقه‌ای چسبان و ناز کی بریا کرده وزیر جامه چتری بسیار کوتاهی بعرض چند وجب روی آن پوشیده دروی انگشتان پابانوای موزیک‌سیر قصیده‌ند برای نخستین بار مشاهده نمود سخت فریفته آن گردید و چون از سفر اروپا مراجعت نمود هوس کرد که ذنهای حرم خود را باین لباس در آورد. این امر فوراً بموقع اجرا گذاشته شد و چون مد لباس خانمهای آن زمان همیشه از اندرون شاه سرچشم، میگرفت و تقلیدمی شد از این‌رو این لباس

نود ر آمد نیز ابتدا میان شاهزاده خانمها و زنهای اهلان و سپس بین سایرین معمول گردید. اصولاً اندرون شاه در آن عصر نه تنها مر کنمد لباس بلکه مر کن هر گونه تفنن بازی و آرایشگری زنان بود و حرمسرا نمایشگاه مخصوص انواع جواهرات گرانها و پارچه‌های نفیس والبسه زد. فت محسوب می‌شد هر زنی از زنان و دختران شاه درین داین بود که با چه آرایش و نمایشی رقبای خود را سرافکنده و دوستان خود را شاد و مسرور نماید. مثلاً اگر زنی از زنانی شاه می‌خواست لباسی از جهت جلوه و جمال یکتاو منحصر بفرد باشد می‌فرستاد هر چه از آن پارچه‌در بازار بدست می‌آمد می‌خرید تا دیگری نتواند از آن پارچه لباس داشته باشد، زنانی بودند که ماهبه‌انه مبالغ زیادی صرف این گونه خریدهای

بیهوده‌می نمودند.

وقتی که این لباس جید به امر شاه هوسن‌اک در اندرون معمول شد چنان‌که گفتیم سایر زنان نیز بشدت شروع به تقلید نمودند بطوری که در



مادام گای استفان و مادام کارلو تاگرسی از بالرین‌های معروف اروپای آن‌عهد بالباس بالت

مدت کمی زنان تمام خانواده‌های شهر نشین ایران آن دامنهای باوقار و متین پیشین رابکناری نهاده؛ این لباس جلف وزنده را برپیکر خود پوشیدند.

شرح جزئیات لباس اندرونی و بیرونی زنان ایران در این دهه از این قرار است:

لباس اندرونی

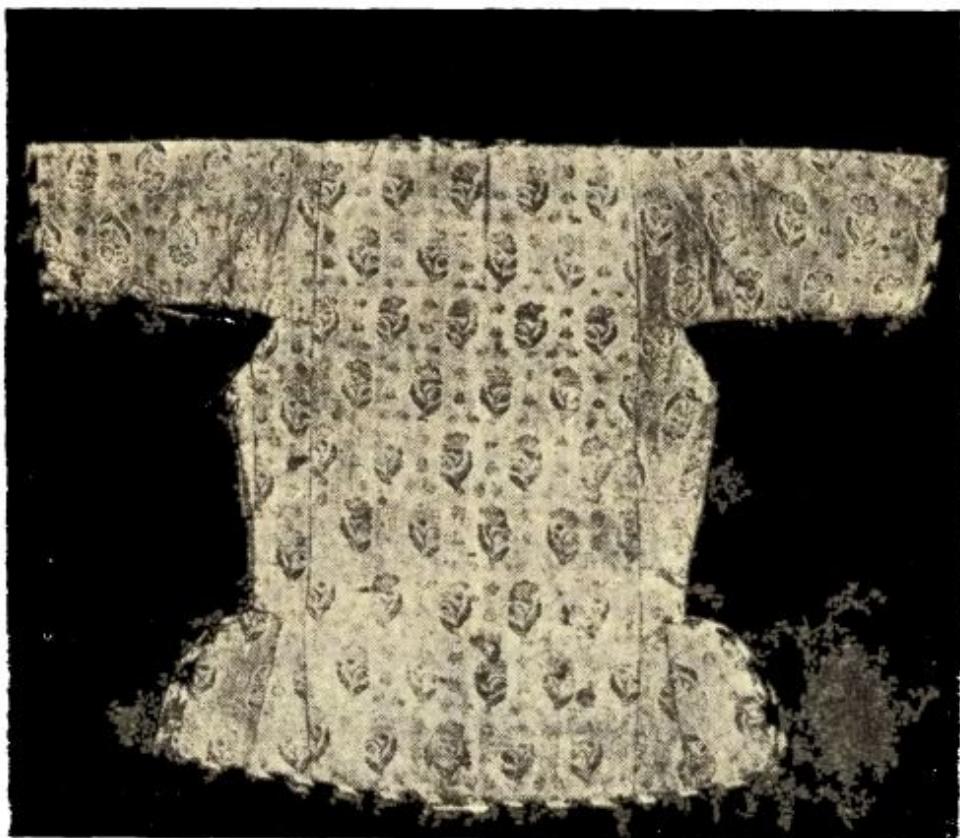
بیراهن زنان در این دوره مانند سابق کوتاه و تنک بودو آنرا معمولاً از پارچه «گاز» یا «ململ سفید» که زرد و زی یا نقده دوزی می‌شد می‌دودند و سینه ویستانها از زیر آن نمایان بود، و آستین‌های بلندی داشت که تامیج دست می‌رسید و با دکمه‌های ریزی بازو بسته می‌شد و نیز چاک سینه نسبت به زوره قبل کمتر شده و شکل یقه نیز عوض شده «یقه عربی» معمول گردیده بود. قبل از این‌ها «نیم تن» معمول شود زنان از روی بیراهن ارخالق بر تن می‌کردند. ارخالق کت بلندی بود که نصف بدن را می‌پوشانید. رجلو آن بازو رها بود و با اینکه کم‌دادشت اما غالباً برای نمودار شدن بیراهن و گردن-بندها و سینه‌ریزها آنها را نمی‌انداختند.



ارخالق

ارخالق دارای سردهستهای مثلثی یا گلابی شکل بود که «سنبوسه» نامیده می‌شد. معمولاً متن داخل سنبوسه را از پارچه‌ای پر قیمت ترازی پارچه خود ارخالق انتخاب می‌کردند و اطراف آنرا یراق و گلابتون دوزی کرده بروی ساعد بر می‌گردانیدند و گاهی نیز آنرا ره‌امی ساختند که از آرنج بطور آزاد آویزان می‌شد. گاهی طول این سنبوسه‌ها بسیار بلند بود و تامرفق می‌رسید و در آنجا با دگمه کوچک ناییدائی بسته می‌شد که نیفتند. این نوع ارخالق را «چیگن» می‌نامیدند و دور تا دور آن یراق و گلابتون دوزی بود و هرچه یراق آن یعنی تربود مجتلل تر محسوب می‌شد. فقر اعمولاً بجای زرد دوزی و یراق، قبطان ده‌زی می‌کردند. در زمستان از روی ارخالق «کنیجه» می‌پوشیدند که بجای

پالتو بود و گاهی آستر و یقه آنرا از یوستهای قیمتی میدوختند
که بدن را از سرما نگهدارد.



ارغالق آستین کوتاه

لباس یا مین تنه یا زیر جامه زنان را «تiban» می نامیدند
ومعمولاً جنس آن از زری و مخمل و ترم و تافته و تور
نقده دوزی شده آستردار بود و برای دوختن
آن پارچه‌ای کمابیش بعرض سه‌چهار و بطول چهار

میل

ذرع را آستر دوخته و از سمت «لا» «لبه» می‌گذاشتند و بند تبان
که یک نوار باریک و بلندی بود از میان لبه می‌گذرانیدند و از وسط نیز دو
قسمت یادولنگ که آنرا بطور متناسب شکل بهم متصل می‌ساختند و چون آنرا
می‌پوشیدند آن بند را از جلو کشیده کیس و چین‌های زیادی به تبان
میدادند و می‌پرسیم آنرا گرمه‌زده محکم می‌کردند که تبان را نگهداشد. عرض
تبان زیاد نبود ولی بسیار گشاد و پر چین بود و برای اینکه چتری باشد
گاهی فنرها یی در زیر آستر آن فرار می‌دادند و گاهی نیز برای اینکه

منظور بهتر عملی شود «زیر تنبانهای آهار زده یا پنهان دوزی شده می بوشیدند و تعداد این زیر تنبانها کاهی بده تانیز می رسید. باین طرز تنبان دایره‌ای بشعاع تقریباً نیم متریاً کمتر بدور خانه‌ها تشکیل می‌داد. معمولاً عرض تنبان در جوانه‌ها همچگاه بزانو نمی‌رسیدواگر از زانو پائین می‌آمد نشانه پیری یا دهانی و ساده بودن پوشش‌ده آن بود. لب پائین تسبان را نیز مانندار خالق یرا قپه‌ن و گرانبه‌امید و ختنند. بدینکونه هنگامی که دسته‌ای از خانمه‌هادراندرون را می‌افتادند تنبانهایشان حرکت ملیعی کرده از پشت سر منظره تعاشائی ایجاد می‌نمود.

خانمه‌ها از زیر تنبان، اضافه بر زیر تنبانی‌های پنهان دوزی **سلمه** و آهاردار یک دامن کوتاه پر چین دیگری بنام «شلیته» می‌باشد. می بوشیدند که برخلاف تنبان وسط آن باز بود. جنس پارچه شلیته در خانمه‌ها معمولاً از چلووار سفید و کاهی نیز از مختبل‌های قوس قزحی و پارچه‌های نرم بود ولی در طبقات پائین آنکه آشلیته را از چیزهای گلدار و زنگی میدوختند. شلیته نیز هرچه چین‌هایی که بر کمر آن میزدند و چین‌هایی که بر دامن آن میغور دریز تر و زیادتر بود مجلل‌تر محسوب می‌شد. لب شلیته را برخی از زنانها «انخر قرقمه مشکی» دست دوزی می‌کردند تا هنگامی که گوشه و لبهای آن از زیر تسبان نمایان می‌شدند نمای زیبائی داشته باشند. در دوره بعد که پوشیدن تسبان منسوخ شد شلیته جای آنرا گرفت و با شلوار مشکی یار و دمساز گردید.

سلوار ابتداء دراندرون زنان تنها بهمین شلیته و تسبان قناعت می‌کردند و قسمتی از رانه‌ها ساق پایشان عریان می‌ماندو لی در این اواخر یک تاجر فرانسوی بنام «مسبو پیلو» بازنش به تهران آمد و چیزهای تازه‌ای با خود آورد که مداندرون با وارد شدن این اجناس جدید تغییراتی یافت از جمله شلوارهای کشی و بافت سفید که از تنگی ساق پا می‌چسبید برای پوشانیدن بشره ران و ساق پای معمول گردید که آنرا «تنکه تسبان» می‌نامیدند.

طول ساقه‌های این شلوار بلند بود و تاروی پنجه یا می‌رسید و تنها

در زمستان یاهنگام رفتن به میهمانی جوراب از روی آن می‌پوشیدند.
زنان طبقه پائین جای این شلوار، شلوار مشکی مانند شلوار مردانه بر پا
می‌کردند که قسمتی از آن در زیر شبته قرار می‌گرفت.

چوراب در آن هنگام پوشیدن جوراب ساقه بلند ماشینی معمول نبود و
همه جوراب سفید دست باف با ساقه حاشیه مشکی در پا می‌
کردند، چنانکه گذشت در این اواخر جوراب سفید بی حاشیه را بروی
شلوار کشی می‌کشیدند که یک تکه بینظیر میرسید. و چنانکه گفتم بجز
زمستان خانمها در خانه اغلب پا بر هنه بودند.

سکنسر قبل از این که اجناس اروپائی و کفشهای دوخت خارجه در
ایران معمول شود کفش زنان ایرانی همان نعلین و چموش و
کفشهای راحتی نوک بر گشته و ساغری بر نگاهی قرمز و سبز و آبی بود ولی
سپس در تهران چند مغازه دار زرده شدند و ارمنی شروع بتجارت اجناس
دویانی نمودند که از جمله واردات آنها کفشهای چرمی سیاه و براق کوچکی
بود بنام «قونداره». خانمهای اعیان و شیک از اینها یا گالش‌های نوک تیز زنانه



گروهی از خانمهای عهد ناصری بالباسهای مخصوص خود

می پوشیدند ولی در شهرستانها و رخی شهرهای ایران بخصوص در اصفهان زنان همان کفشهای بی پشت و پاشنه بنام صاغری بیامی کردند که آنها را معمولاً کفش دوزهای محلی میدوختند.

در این زمان پوشیدن کفش روسته و پاشنه دار چه برای مرد ها و چه زنها کاری بس ناپسند محسوب یشد و ملاها دائم ادار بالای منبر زنها و مرد ها را از بوشیدن کفش پاشنه بلند بر حذر میداشتند، ولی این تعذیب چندان بگوش مردم فرو نمی رفت و علیرغم ملاهای قشری کفشهای پاشنه بلند روسته بسرعت مورده تقلید واقع شده در همه جامعه می گردید. زنان بزرگان در اندرون کفشهای کوچکی می پوشیدند که روی آنها از متحمل یاما هوت بود و با دانه های ریز مر وارید یاسرمه گلدوزی میشد.

چارقه قبل از کشیده در دوره فتحعلی شاه چارقد بسر کردن معمول نبود و یا عمومیت نداشت، ایکن در این زمان جزو لاین فک

لباس خانمها شده از بزرگ و کوچک و پیر و جوان هم چارقد وا در زیر گلوی خود محکم می کردند. چارقد عبارت بود از یک پارچه توری نازک و سبک مربع که دولا کرده بشکل مثلث درمی آوردند و سه آنرا از وسط طوری بر روی سر می انداختند که طرف زاویه قائمه در پشت سر آنها در آخر کمر و دوزاویه حاده در طرفین واقع میشد و سپس آنرا در زیر گلو تک گرفته با سنجاق بهم وصل میکردند و با ینظرز دو گوشه آن در روی سینه تا آخر شکم بهم مبرسید و روی سینه و شکم راتماماً می پوشانید و دو زاویه حاده یکی میشد. بعضی خانمها محترم و مؤمنه از دو گونه خود نیز مقداری بزیر چارقد میدادند که در وقت وضو گرفتن می بایست چارقد را پس بزنند. بعضی از دختران و نوهر و سان می بایست یک دهن بند هم روی چارقد بسته و در پشت سر گره بزنند که جز چشم و مقداری ازینی چیزی ارسور تسان بیدا نباشد. جنس چارقد معمولاً از «گارس» و «زری» و «مشمش» بود و «چارقد قالبی» را در اندرون ناصر الدین شاه اختراع کردن بدین معنی که سر چارقد را بزیر حتم زیاد و با آدابی مخصوص باشاسته قالب میکردند و مرغوب ترین آنرا «آفتتاب گردانی» می خوانندند، و این عمل کار هر کسی

نیود بلکه برخی در این فن متخصص بودند و دیگران به ایشان رجوع می کردند.

کلاغی بعضی از زنها از دروی چارقد یا کدستمال بزرگ ابریشمی یا جنس دیگر دور سر خود می پیچیدند که موی پیشانی هم از زیر چارقد پیدا نباشد و این دستمال را کلاگی می نامیدند بمناسبت آنکه غالباً مقید بودند که رنگ آن سیاه باشد و رنگ سیاه را «پر کلاگی» می نامیدند این کلاگی در بعضی از شهرستانها بویژه در میان ارها و کردها بدرجاتی بزرگ بود که سر زن را بزرگ می نمود و مانند عمامه سیده او مردهای لر و کرد میشد.

یک تفسیر و تحویل دیگر

در اوآخر سلطنت ناصرالدین شاه که هوسری شاهتمام شده ار خالق وزیر جامه کوتاه «تبان» تا اندازه‌ای منسوج گشت، نیم تن و چادر نماز کمری جای آنها را گرفت.^{۱۰}

نیم تن که بجای ار خالق یا «بل» سابق معمول شد دارای نیم تن آستینهای تنگی بود که با آنها آستین شمشیری می‌گفتند و اندازه‌ای بدون آرایش اضافی بوده یقه‌اش بر گردان و عربی بود و مانند ار خالق برای پوشانیدن بالاتنه بکار میرفت.

این چادر نماز پارچه نیم دایره و کوتاهی بود که از چاپه کمرس جنس پارچه نیم تن انتخاب میشد که اگر بکمر می‌بستند تا پیشتر پامیر سید و بجای دامنه‌ای بلند سابق و تبان کوتاه معمول شد. خانه‌ها معمولاً جنس نیم تن و چادر نماز کمری را از ذری، محمول، ترمه کشميری و اطلس مadam، انتخاب می‌گردند و چادر را بادگمه و و مادگی یا سنجاق بکمر می‌بستند که مثل دامنه‌ای امروزی میشد.

در این دوره تغییر لباس، خانه‌ها پیشتر زیر جامه‌ها و ار خالق های ترمه قدیمی را بوسیله رفو گران و خیاطان تبدیل به نیم تن و چادر نماز کمری کردند و تبان ناصرالدین شاهی که جز چنلصالی رواج

نداشت از بی کار خود رفت . بنابراین نیم تنه و چادر نماز کمری را باید
حد فاصل بین لباس قدیم و لباس امروز زنان بشمار آورد .

لباس سپری زنان

آنچه شمردیم مربوط بلباس زنان در اندر و بود لبکن وقتی
زنان از خانه خارج می شدند یاد رجائی وارد می شدند که مرد
نامعمر می در آنجا وجود داشت بر روی این لباسها ، جامه های دیگری
می پوشیدند که بتر تیب عبارت بود از چادر نماز ، چادر چاقچور ، رو بند
چادر چادر یا متحمل و اطلس و حریر و آن یار چه نیم دایره (چرخی)
یا مربعی بود که در خانه سر می کردند و اگر کنون هم هست ولی
در کرمان و خراسان و تون و طبس و سیستان چادر بیرونی زنها نیز همین
بودو فقیر و غنی هم بکسان می پوشیدند و گاهی از روی آن رو بند
را چنان تنک می بستند که راه تنفس را هم می گرفت .



کروهی از دختران چادر نمازی

۲ - چادر کر باس رنگین چهارخانه (شترنجی) که آنرا «چادر شب» و «چادر رختخوابی» هم می‌کنند، برنگهای آبی و قرمز مایل بهوهای معمول بود.

در همه دهات ایران و در شهرهای قم و زد و شهرهای کوچک چادر بیرونی زنان از همین قسم بود و آنرا بشکل مریع بریده مانند چاله بر روی سرمی انداختند و از وسط اضلاع طرفین گرفته در ذیر بغل جمع کرده نگه میداشتند و گاهی روشنده نیز با آن می‌بستند.

۳ - چادر سیاه یا بنفش ریشه‌دار، که درین دهافته می‌شد و اطراف آن دارای ریشه‌های بلند بهم تاییده و گره خورده بود که اند کی مشبك بنظر میر سبد و جنس آن ازینبه یا ابریشم و بسباد پر دام بود بطور یکه چندین پشت بازث میر سبد.

گاهی خانمهای اهیان و بزرگان اطراف چادر مشکی خود را کلابتون وزری و حاشیه نقره یا نقره نما میدوختند ولی سپس این کار متوقف شد و بجای آن حاشیه سر خود برنگهای آبی، فمههای و سفید بعرض دوانگشت در اطراف چادر مشکی معمول گردید.

سابقاً جلو چادر مشکی را بندی میدوختند که هنگام سر کردن چادر آنرا بگردن میانداختند ولی سپس بند را بقسمت جلو چادر در دوخته و دوسر آنرا آزاد می‌گذاشتند که هنگام سر کردن آنرا در پشت کمر محکم می‌گردند. و گاهی نیز چادرهای عباتی از بنداد می‌آوردنده که بسیار گرانبها و مخصوص زنان اهیان واشراف بود.

قسمت دوم لباس بیرونی زنان «چاقچور» بود. چاقچور شلوار کف دار بلده و گشادی بود که بر روی شلته و تنبایها می‌پوشیدند. چاقچور نیز دارای لیفه و بند بود که در زیر شکم بسته می‌شد.

وسط دولنگه آنرا بطور مثنی باز می‌گذاشتند و برخی نیز چاقچور را از دو لنگه جدا از هم میدوختند و آنرا بالای زانو بادو بند محکم می‌گردند. چاقچور یون بسیار گشاد و چین دار بوده تنبایها در داخل آن بر احتی جا می‌گرفت و زنانها بسیار مو اطبیت می‌گردند که آهار و بر آمد گهای تنبایها در هم نشکند و در راه رفتن معلوم شود که تنبای پنهادار یا فنر دار پوشیده اند. رنگ چاقچور را بنفسن و آبی تنہ و سینه کفتری انتخاب می‌گردند و زنان

سیده چاقچور سبز می پوشیدند ولی چاقچور سیاه مجلل تر و متین تر محسوب میشد و گاهی نیز آنرا از «خارا» و «قناویز» و «مخمل» میدوختند.

زنان در بیرون از خانه برای حجاب صورت از روی چادر «روبنده» می‌انداختند و آن پارچه سفید و بلند کم عرضی بود که در بر ابر چشمها یک مشبك شش ضلعی مستطیل در عرض داشت که سوراخ‌های ریز آنرا با ابریشم با سلیقه خاصی می‌دوختند و چون کاری مشکل بود از این رو هنر پر مداخلی برای بعضی از زنان هنرمند محسوب می‌شد و بسیاری از زنها خرج زندگانیشان از همین راه تأمین می‌گردید. در این دوره «پیچه» که با آن «نقاب» می‌گفتند زیاد معمول نبوده، منحصر بزنان بد کاره بود. روبنده در گوشه‌های بالا دارای دومادگی قیطانی کوچک بود که از دو طرف به «قلابه» یا «چندال» روبنده متصل می‌شد و روبنده دابر روی سر نگاه می‌داشت. این «قلابه‌ها» در خانمهای متخصص و ثروتمند اغلب از فلزات قیمتی و جواهر نشان چادر حاشیه دار و روبنده بودند و چون تنها زیوری بود که در بیرون از خانه در مرض تماسای عامه بود از این رو در ماختن آن ذوق و سلیقه خاصی بکار می‌بردند. زنان جوان اغلب روبنده را در کوچه و بازار لوله کرده در بیک



طرف صورت نگه مبداشتند و قسمتی از چشم و ابرو و زیبایی‌های صورت خود را بیرون میگذاشتند ولی زنان پیر و مؤمنه تمام صورت را با آن می‌پوشیدند و فقط از چشمی آن برای دیدن زیر پای خود استفاده میکردند.

بالازدن پشت سر انداختن روپنده نوعی گستاخی و بی تربیتی و علامت اهتر اض محسوب میشود و در شورش وهیجانهای عمومی که زنان نیز در آن شرکت میکردند در موقع حساس روپنده را به پشت سر انداخته، صورت خود را نمایان میکردند تا مردان را بر سر غیرت آورده دعوت باعتصاب و شورش نمایند.

آرایش و رفته آلات

آرایش صفت غایت آمال زنان ایرانی این دوره در زیبائی آن بود که صورت گردیر آمدۀ‌ای داشته باشند و چشم‌ماشان درشت و خمار و دارای بلکهای سنگین و مژمهای بلند با ابروان پهن و پر پشت بهم پیوسته که دوقوس بر روی چشم‌مان تشکیل دهد و بینی کوچک و منقاری باشد. از این‌رو آرایش چشم‌زا باصرمه درشت و گوش‌دار کرده ابروان را با وسمه ورنک و پررنک ساخته تا شیوه امتداد میدادند و ابروان کمانی شکل منظمی تشکیل میدادند که بوسیله یک خال ستاره‌ای شکل یا سه خال پهلوی هم از هم جدا می‌شدند. خالی نیز بر روی گونه بر بالای لب میگذاشتند و گاهی نیز خال طبیعی را که بر روی گونه داشتند و با آن «خال‌هاشمی» می‌گفتند یعنی نگرش میکردند و لب را نیز با گمی سرخاب سرخ کرده سیل باریکی بر پشت آن می‌کشیدند. هفت ماده برای زینت زنان بکار میرفت که عبارت بود از حنا، سرم، وسمه، سرخاب، سفید آب، زرک، غالبه و همه اینها در «جمعه بزک» با اسباب و آلات مخصوص جمع و نگاهداری می‌شدند.

آنکه مطلوب گیوان زنان در این دوره سیاه درخشان بود و آرایشی افاب آهار ابار نگه و حنای سیاه و سرخ میکردند و برای آراستن آن فرقی از وسط سر باز کرده قسمتی از مو هارا بطرف راست و قسمتی را بطرف چپ می‌انداشتند و روغن معطری بآنها میزدند و قسمت کمی از



بانوی باکلاه و سکه‌های طلا

موهارا به طول پانزده سانتیمتر در دو طرف صورت قرار داده آنرا «طره» یا «مرغوله» می نامیدند. بعضی نیز موهای جلوسر را روی پیشانی ریخته آنها را با مقراض در بالای ابروان بخط مستقیمی می بریدند و گاهی آنها بشکل حلقه یادم طاؤس و چتری درآورده با آب بهداه بهم و به پیشانی می چسبانیدند.

گیس هارا در پشت سر بر شته های زیاد بافت و در هر رشته نواری می بستند که غالباً سکه های طلا یاده های مردارید یا زینت هایی به شکل برق و فندق و پسته های نقره ای مجوف از انتهای آنها می آویختند. هر قدر این گیسهای بافت طویلت و زیادتر بود مطلوبتر بود چنان که گاهی با همه فرآوانی گیسوهای طبیعی گیسوهای عاریه بر آنها می افزودند و آنها را «سر گیس» می گفتند و در نتیجه گاهی وزن گیسوها چندان زیاد می شد که خانمها سرخود را بزحمت اینطرف و آنطرف حرکت میدادند. باقتن گیسوها از حمام بعمام بود زیرا باز کردن و باقتن آن کار پر زحمتی بود و ساعتها وقت لازم است.

سر گلسر در اوایل خانمها معمولاً در خانه هر قچین گندوزی شده گلسر می شوند و جواهر نشان بر سر می گذارند و جقه طلای مر صع بجواهر بسر نصب می کردند. گاهی نیز بجای جقه بر طاؤس یا پر های قشنگ دیگر برای زینت سر بکار می برند و نیز نوار پهن مردارید یا نگین دوخته ای را که حاشیه آن با ماسکو کات طلا آرایش یافته بود بر پیشانی می بستند ولی هنگامی که چارقد معمول شد این طرز زینت سر در شهرها تا اندازه ای مترون شد و تنها در دور چارقد گلهای مصنوعی بشکل هلالی نصب می کردند یا آنها یک گلس رخ بگوش چارقد در بالای گوش چپ سنجاق مینمودند.

سنجاق می مترین زیور شاهزاده خانمها و زنان اعیان و اشراف تاجی ناجی بود که با جواهرات گرانبهای مخصوصاً بالمال اس زینت یافته بود و چون چنین تاجی سنین می شد و بر روی سر فشار می آورد ارایزو آنرا تنها در موقع رسمی بسر می گذارند و در موقع غیر رسمی نیم تاجی بر روی سر نصب می کردند که با جواهر کمتر و پر های قشنگ زینت یافته و سبکتر بود.



خانمی با کبس‌های بافته و مطره

آرایشگری خانمهای نرومند سینه‌ریزهای معتمد و «عقدر» آرایشگری و کردن بندهای گرانها داشتند که از مرواریدهای درشت مخلوط باقی‌وزه‌وطلای وسایر جواهرات درست می‌شد. زنان بی‌بضاعت سینه‌های خود را بادنه‌های کهربا و صدف و مرواریدهای بدل و نگین‌های مصنوعی و سکمهای نقره زینت می‌دادند.

آرایشیست، دیگرست خصاب دست و بستان حنابه‌نونک از گشتان و ناخنها آرایشیست، دیگرست و استعمال انگشت‌های متعدد حتی در یک از گشت بسیار معمول بود و دست‌بندوال‌گو در میان زنان خواهان بسیار داشت و چون در خانه زنان اغلب با بر هن بودند از گشتان و کف پارانیز حنابسته با طلا و سنگهای قیمتی زینت می‌دادند و حلقه‌های بنام خلخال از طلا و نقره یامس و برنج که دارای گلوله‌های کوچک تو خالی باندازه و شکل فندق بود در بالا، میچ یامی بستند.

دوره چهارم

کرمسرو طه ما هصر ده را در مسیره چهارم

توجه بشیوه زندگی اروپائیان ولباس و پوشانک اروپائی تقریباً ازاواسط سلطنت ناصرالدین شاه شروع شده بود و بسیاری از خانمهای متشخص که بابانو اوان خارجی مسکن تهران رفت و آمد داشتند از وضع نشست و برخاست و لباس و کفش آنها تقلید میکردند و گاهی نیز که البته دوخته زنانه از روسیه و فرانسه و جاهای دیگر بعنوان هدیه برایشان آورده میشدند و دیگران نیز خوششان آمدند هوس پوشیدن چنان لباسی را میکردند و باین طریق کم کم زنان ایرانی با طرز البته اروپائی آشنا شده و تغیراتی در لباس خود میدادند و این

تفاہد و تغییرات تدریجی همچنان تا اوایل مشروطه ادامه داشت .
بعداز مشروطه که تحولات مهمی از لحاظ سیاسی و اجتماعی
در زندگانی ایرانیان پیش آمد توجهی نیز از طرف آزادیخواهان و
روشنفکران بوضع زنان ایران معطوف گردید و شعر ا و نویسنده کان
و حتی برخی از خود بانوان دانشمند و باسوساد درباره آزادی و حقوق
و ارزش زنان در جامعه، اشعار و نوشته‌ها و مقالات زیادی نوشت و



چادر و پیچه
۳۹

قدمه‌هایی برداشتند و بانوان ایرانی را دعوت به برانداختن رسوم و تقدیمات کهنه و خانه‌نشینی خودآرائی و ولغزی و تفنن بازی نموده، تشویق و تربیت بکسب علم و فضیلت و شرکت در امور اجتماعی کردند.

هرچه زمان پیش می‌رفت و بر تعداد مدارس دخترانه و زنان باسواد و دانشمندانه می‌شد و چشم و گوش ایشان بازتر می‌گردید، بنا به تفضیلات زمان تغییراتی در البسه خود می‌دادند از طرف دیگر، و رو داجناس والبسه متنوع و فراوان اروپائی و فریزه تقلید خانه‌ها کم کم باعث شد که تغییرات و تطورات مهمی در وضع لباس این دوره پیش آید. در این تغییرات عامل مهم دیگری نیز بسیار موثر واقع شدو آن ورود خیاطان و طراحان اروپائی مخصوصاً صافرانسوی بهran بود که بسبک اروپائی برای خانمه‌الباس می‌دوختند و مشتری فراوانی داشتند.

باین طریق پیراهن و شلیته و شلوار و چادر گمری جای خود را به پیراهن‌های بلند و یک تکه که بلندی دامن آنها بر حسب مدروز تغییر می‌کرد، دادند و بجای ارخالق ویل و نیم تن، کتوژیلت و بلوز بطرز و دوخت اروپائی معمول گردید و پارچه‌های ترم و ذری و متحمل و تو رو حریر به کرب ساتین و کرب دشین و وال و زریز و ساتین وغیره تغییر یافت. و شلوار بلند و مشکی و شلوار کشی تبدیل به تنکه کوتامو جوراب‌های ساقه بلند ماشینی شد. واژ طول و عرض چادرها کاسته شده چاقچور در میان جوانها بکلی از میان رفت و پیرزنان که نمی‌توانستند از آن دست بردارند چین ساقه چاقچور را بیشتر کرده تازیر زانو ادامه گذاشتند تاشیه جوراب گردد. رو بند منسون شد و بجای آن «پیچه» که ازیال ودم اسب بافت می‌شد عمومیت یافت باین طریق که پیرزنان پیچه‌یعن و بزرک و جوانها پیچه کوتاه در جلو صورت می‌آویختند و گاهی آن‌الوله کرده و پیچی می‌دادند که از طولش کاسته شود و قسمت بیشتر صورت نمایان باشد.

در دوره ده‌ساله نخست سلطنت اعلیٰحضرت فقید رضا شاه پهلوی که تعداد مدارس دخترانه زیادتر گردید و توجه زیادی در تعلیم و دانش زنان بعمل آمد و زنان و دختران باسواد بیشتری پا به رصه اجتماع نهادند در وضع زندگانی زنان نسبت بدوروهای قبل تغییرات

مهم و محسوسی نمایان گشت. وزنان از تفندات و لغزشیها و خانه‌نشینی و خودآرائی کاسته بسادگی و علم و فضیلت و برخی فعالیت‌های اجتماعی روی آوردند و در شهرهای مختلف ایران زنان دانشمند و نیکوکار و روشنفکر دست به شکل انجمن‌های گوناگون زده با انتشار مجلات و کتب چندی نائل آمدند، که در آنها اغلب روی سخن بازنان ایران بود. از جمله فعالیت‌های اجتماعی که در آزادی زنان ایران نقش بسیار موثری بازی کرد تأسیس «کانون بانوان» از طرف وزارت فرهنگ در اردیبهشت سال ۱۳۱۴ بود که ریاست عالیه آن «والا حضرت شاهدخت شمس‌بهلوی و بر نامه کارش پروردش فکری و اخلاقی بانوان و ترغیب آنان به انجام ورزش‌های مناسب و تأسیس انجمن‌های خبری و تشویق آنان بسادگی و اقتصاد در زندگی و استعمال کالای وطنی و عدم مداخله در امور سیاسی و مذهبی بود. این کانون تحت مدیریت خانم هاجر تربیت بفعالیت خود ادامه می‌داد تا زمینه را برای آزادی بانوان فراهم آورد. و رسید موقعی که زنان ایرانی آخرین یادگار عقب‌ماندگی و یهودگی یعنی چادرسیامرا که در واقع نشانه‌ای از سیار ورزی زنان در قرون گذشته بود با دست توانای رضا شاه بزرگ از از جمهوره برگیرند و بآرمان بزرگ خود که مطلوب هر زن و مرد میهن برستی بود بسنده.

دوره پنجم

از سهند در برگردانی و تصحیح پارده مادر

این دوره با روز تاریخی «هفدهم دی» که حقاً در تاریخ زنان ایران باید مبدع تحول و نهضت بزرگی محسوب گردد آغاز می‌شود. در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در چنین روزی اعلیحضرت رضا شاه فقیه با علیاً حضرت ملکه بهلوی و الاحضر تین شاهدخته‌اکه بدون چادر بودند در جشن افتتاح دانشسرای تهران شرکت فرموده پس از استماع خطاب بدوشیز گان و خانمهایان فرمودند:

«بی‌نهایت مسرودم که می‌بینم خانمهای در تبعه دانائی و معرفت

بوضعيت خود آشنا شده و بی بحقوق و مزایای خود برده اند، همانطور که خانم تربیت اشاره نمود زنهاي اين کشور بواسطه خارج بودن از اجتماع نمی توانستند حق خود را بگشود و مبنی عزیز خود ادا نمایند و بالاخره خدمات و فدایکاری خود را آنطور که شایسته است انجام دهندو حالا میروند علاوه بر امتیاز بر جسته مادری که دارا می باشند از مزایای دیگر اجتماع نیز بهره مند گردند. ماباید از نظر دور بداریم که نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی آمد یعنی نصف قوای عامله مملکت بیکار بود، هیچ وقت احصایه از زنها برداشته نمیشد مثل اینکه زنها يك افراد



علیحضرت ملکه بهلوی و والاحضرتین شاهدختها در روز ۲۷ دی ۱۳۱۴

دیگری بودند و جزو جمیعت ایران بشمار نمی آمدند... من میل بتظاهر ندارم و نمی خواهم از اقداماتی که شده است اظهار خوشوقتی کنم و نمیخواهم فرقی بین امروز با روزهای دیگر بگذارم ولی شما خانمهای باید این روز را یک روز مزرع بدانید و از فرستهای که دارید برای ترقی کشور استفاده کنید. من معتقدم که برای سعادت و ترقی این مملکت باید همه از صمیم قلب کار کنیم...

شما خواهان و دختران من حالا که وارد اجتماع شده اید و قدم برای سعادت خود و وطن بپرورن گذارده اید بدآنید و ظیفه شماست که در راه وطن خود کار کنید، سعادت آتیه در دست شماست، شما تربیت کننده نسل آتیه خواهید بود. انتظار من از شما خانمهای دانشمندر این موقع که میروید بحقوق و مزایای خود آگاه شوید و خدمت خود را بکشوار انجام دهید اینست که در زندگی فانع باشید و کار نمایید، با قیمتاد و صرفه جویی در زندگی عادت کنید و از تجمل و اسراف بپرهیزید».

از این روز به بعد که طلیعه دوران جدیدی برای زنان ایرانی بود - ذره ها و شهرستانها نیز زنان دانشمندو باس او دور و شنکر از این امر مهم حسن استقبال کرده بسرعت چادرهای سیاه خود را برداشته با کلامهای تو و انتو در مجامع عمومی شرکت نمودند.

بدینسان بارفع حجاب و منسوخ شدن چادر و پرچه تحول بزرگی در شیوه مژندگی و آداب و رسوم مولباس زنان ایران پیش آمد که کلیه بقایای البسه قدیمی و آثار مربوط بازرا در شهرها از بین بزده اتحاد شکل و بالاخره اتحاد هدفی میان زنان ایران و زنان کشورهای پیشرفت جهان بوجود آورد و از آن روز خجسته تا کنون بازوان و زنان ایرانی دست به فعالیت های اجتماعی فراوانی زده و دوش بدوش شوهران و برادران و پسران خود در راه کمبعلم و دانش و پیشرفت های اجتماعی قدم بر می دارند و امید است با ادامه فعالیت های خردمندانه ای که در پیش گرفته اند بمقام شایسته خود نائل گردند و ملزمانده حقوق حقه خود را نیز پدست آورند.

Persian Women's Costumes

from the 19th century to the present day



. by
V. Zoka

Tehran - 1957